یادداشت

معرفی اسلام ناب از نگاه علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع)

دکتر هادی رستگار مقدم
پژوهشگر و مدرس

در اسناد تاریخی ذکر شده‌است مأمون طی نامه‌ای به حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(علیهماالسلام) از آن حضرت درخواست می‌کند اسلام حقیقی و اسلام ناب را به‌طور خلاصه به وی معرفی کند. آن حضرت در پاسخ به مأمون برای معرفی اسلام ناب و حقیقی به‌صورت مکتوب به معرفی اسلام حقیقی می‌پردازند. نخست با یاد خدا به برخی صفات و آثار و فعل الهی به‌عنوان خداشناسی اشاره می‌کنند و سپس با اشاره به پیامبر گرامی(ص) و شهادت به رسالت آن حضرت، ایشان را رسول و فرستاده خدا که باید مطیع تمام فرمان‌هایش باشد، معرفی می‌کنند و بعد از آن به جانشینی امیرالمؤمنین(ع) و سپس به جانشینی امام حسن‌مجتبی(ع) و امام‌حسین(ع) و یکایک ائمه معصوم تا حضرت ولی‌عصر(عج) شهادت می‌دهند. بدیهی است این شهادت‌ها یعنی شهادت به یگانگی خداوند متعال به‌عنوان اصل موجودات و مؤثر در خلقت و هستی و تقدیرکننده امور آنان و فرستاده خدای‌تعالی و فرستادگان پیش از رسول گرامی و اولیا و جانشینان آنان و کتب و آیات ارسالی حضرت حق به همه انبیا، ضمن ابراز تسلیم بودن در برابر حق تعالی، به مأمون یک واقعیت را گوشزد می‌کند که من یعنی حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) درمیان سلسله جانشینان رسول گرامی(ص) و از اوصیای آن حضرت هستم و مأمون، غاصب مقام اوست و شایستگی قرار گرفتن در آن مقام و مرتبه را ندارد. در ادامه، برخی موضوعاتی را که روش حضرات معصوم بوده است، یادآوری می‌کنند و سپس حکم وضو گرفتن را براساس آنچه در کتاب الهی یعنی قرآن آمده است، بیان می‌فرمایند. حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) احکام الهی را به دو دسته تقسیم می‌کنند: یک دسته احکامی است که چون از ناحیه خدای تعالی آمده است، واجب است و از آن به «فریضه» نام برده‌اند و دسته دیگر را چون در قول و فعل یا رضایت رسول گرامی(ص) است، به نام «سنت» یاد کرده‌اند که این نوع احکام به حکم آیه شریفه «آنچه رسول آورده است، برای عمل کردن به‌کار بگیرید و آنچه شما را از آن نهی کرده است، وانهید، سنت واجب خواهد بود». (حشر/۷)، چنان‌که امام‌باقر(ع) در حدیثی، به توصیف‌ناپذیر بودن خدای تعالی اشاره می‌کنند سپس می‌فرمایند: «همچنین پیغمبر(ص) توصیف‌پذیر نیست. چگونه بنده‌ای وصف‌پذیر باشد و حال آنکه خداوند، مقام شامخی عطایش فرموده و مقرب خود قرارش داده است؟ فرمانبرداری‌اش را در زمین همچون فرمانبری خود محسوب کرده و گفته است: «آنچه پیامبر برایتان آورده است، عمل کنید و از آنچه شما را بازداشته است، دوری کنید»؛ یعنی هرکه پیغمبر(ص) را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده است و هرکه او را نافرمانی کند، مرا معصیت کرده و خداوند(بیان احکام را) به او واگذار کرده است و در ادامه حتی اهل‌بیت عصمت و طهارت را توصیف‌ناپذیر معرفی می‌کنند. (کتاب المؤمن/۳۰). و لذا سنت در قرائت اهل‌بیت(ع)، نیز واجب خواهد بود و همانند اطاعت از خدای تعالی، اطاعت‌پذیر باید باشد. در قسمتی از این نامه، حضرت رضا(ع) از کسانی اظهار بیزاری می‌کنند که حقوق اهل‌بیت(ع) و شیعیانشان را پایمال و به آنان جفا و ظلم کردند، آنان را کشتند یا تبعید کردند و در ادامه می‌فرمایند: «و اموال را وسیله بهره‌کشی ثروتمندان قرار داده و سفیهان را به کار گماشته است». (عیون‌اخبارالرضا(ع)، ج۲، ص۱۲۶). این آموزش رضوی بیدارگر و کلیدی، مسائلی از مصادیق خیانت را به ما می‌آموزد که هرکه مرتکب آن‌ها شود، خائن به اسلام و امت اسلامی است از موارد دیگر باز گذاشتن دست ثروتمندان در برنامه‌های مالی و اقتصادی تا اموال را گرد آورند و به بهره‌کشی از ثروت‌ها بپردازند و این اموال در دست ایشان متراکم شود و تنها میان آنان جریان داشته باشد. تصدی مناصب دولتی به‌وسیله اغنیا به‌ویژه مناصب اقتصادی و شغل‌های وابسته به آن که نردبانی است برای گسترش قدرت آنان در گردآوردن اموال و تحکیم دیکتاتوری مال و ثروت. دخالت آزاد توانگران در تشکل‌های حزبی و اجتماعی و سیاسی که از مهم‌ترین راه‌های رسیدن آنان به فرصت‌های بلعیدن اموال و گردش ثروت درمیان آنان و خویشان‌شان است. مسلط ساختن سفیهان و اشخاص غیرموثق بر اموال و به‌کار گماشتن ایشان در این‌گونه مشاغل و مناصب، بنابراین آنچه از این امور نتیجه‌گیری می‌کنیم، این است که سهل‌انگاری دولت‌ها در قضایای مالی یا تمایل داشتن به توانگران و مالداران بزرگ، یا ثروتمند بودن خود و رغبتشان به ثروت و تکاثر و اتراف، انگیزه‌هایی است مهم و خطرناک به‌منظور شیوع تکاثر مالی و مصرفیگری افراطی درمیان مشتی از مردم و همه‌گیری ناکامی و بدبختی درمیان اکثر مردمان دیگر و این همان چیزی است که اسلام به مبارزه با آن برخاسته و به هیچ‌گونه روی موافقت با آن نشان نداده است، پس نباید اسلام را به قبول این چگونگی‌ها متهم کرد؛ البته لازم است در برنامه‌ریزی مالی و قضایای اقتصادی -قضایای مهم و پیچیده و سرنوشت‌ساز- از سخن بسیار مهم امام‌صادق(ع) نیز غافل نمانیم که فرمودند: «ما أبالِی إلَی مَنِ ائتَمَنَت خائناً أو مضیّعاً؛ فرقی نمی‌کند که به خائن اعتماد کنیم یا به ناشی». پس در کار اموال، هم خائن خیانت می‌کند، هم ناشی و فرد بدون تخصص زیان می‌رساند و زیان‌رسانی گاه به دست غیرمتخصصان صورت می‌پذیرد؛ هرچند در زمره متعهدان باشند و گاه به دست غیرمتعهدان هرچند متخصص باشند. (حیات ترجمه، احمد آرام/ ج۶، ص ۳۲۰). این است اسلام ناب در نگاه امام‌رضا(ع).

بپرس و بدان

مسأله ای در باب تصرف در بیت المال

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به‌شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ با ما در میان بگذارید.

این‌جانب اقدام به استفاده شـــخصی از بیت‌المال کرده‌ام. وظیفه من برای اینکه از گردنم ساقط شود چیست؟ استفاده شـــخصی از امکانات بیت‌المال تا چه حدی برای کارمندان جایز است و درصورتی‌که با اذن مسئولان مربوط باشد، چه حکمی دارد؟

آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای

استفاده کارمندان از امکانات بیت‌المال در ساعات رسمی کار به مقدار متعارفی که مورد ضرورت و نیاز است و شرایط کاری بیانگر اذن به کارمندان در این مقدار از استفاده است، اشکال ندارد و همچنین استفاده از امکانات بیت‌المال با اذن کسی که از نظر شرعی و قانونی حق اذن دارد، بدون اشکال است.

درنتیجه اگر تصرفات شخصی شما در بیت‌المال به یکی از دو صورت مذکور باشد، چیزی در این رابطه به‌عهده شما نیست، ولی اگر از اموال بیت‌المال استفاده غیرمتعارف کرده باشید یا بدون اذن کسی که حق اذن دارد، بیشتر از مقدار متعارف استفاده کنید، ضامن آن هستید و باید عین آن را اگر موجود باشد، به بیت‌المال برگردانید و اگر تلف شده باشد، باید عوض آن را بدهید و همچنین باید اجرت‌المثل استفاده از آن را هم درصورتی که اجرت داشته باشد، به بیت‌المال بپردازید.

آیت‌ا...العظمی سیستانی

استفاده از اموال دولتی فقط در چارچوب قانون جایز است. اگر قانون به او اجازه این کار را می‌دهد، اشکال ندارد و اگر اجازه ندهد، نمی‌تواند استفاده کند.

آیت‌ا...العظمی مکارم‌شیرازی

هرگونه تصرف در اموال بیت‌المال، خارج از حدود مقررات، حرام است.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین وحدتی‌شبیری در گفت‌وگو با شهرآرا:

راهی که امام‌رضا(ع) برای کسب علم گشودند

آمنه مستقیمی | بررسی سیره علمی امام‌رضا(ع) و آنچه عالم آل‌رسول(ع) در تبیین و روشنگری از مبانی حقه اسلام و تشیع به‌ویژه پس از هجرت و حضور در خراسان انجام داده‌اند، ذهن را به این سمت می‌برد که اساسا حضرت خود حرکت اولیه حوزه‌های علمیه در خراسان را ایجاد و راهبری کردند و این جریان به‌مرور تکوین و توسعه یافت و سرانجام در بستر حوزه علمیه به حیات و اثرگذاری خود ادامه داد. در آستانه سالروز ولادت امام‌رضا(ع)، در دهه کرامت، در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام‌والمسلمین «سیدحسن وحدتی‌شبیری»، استاد حوزه و دانشگاه و صاحب آثاری همچون «حقوق قراردادها در فقه امامیه»، مروری کرده‌ایم جلوه‌هایی از حیات علمی ایشان را که ما را به تأیید این فرضیه نزدیک می‌کند.

جلسات علمی امام‌رضا(ع) در مرو

مأمون درظاهر با برگزاری مجالس علمی توسط امام‌رضا(ع) مخالفتی نداشت و حتی توسعه آن را هم دنبال می‌کرد اما نه در مجالس خصوصی، بلکه در مجالس عمومی و با حضور دانشمندان و ارباب ملل و ادیان و می‌کوشید که حضرت ثامن‌الحجج(ع) را در بستر این جلسات شکست دهد و به زعم خود، آبرو و اعتبار حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) را زیرسؤال ببرد و از وجاهت ایشان درمیان مردم بکاهد.

اما از روایات چنین برمی‌آید که وی در باطن به علم و اندیشمندی حضرت ثامن‌الائمه(ع) معتقد بوده اما به آن درجه از عصمتی که شیعه برای امام(ع) قائل است، باور نداشته است و با برگزاری جلسات مناظره علمی علیه اعتبار علمی حضرت رضا(ع)، دسیسه و خدعه می‌کرده است.

ظرفیت‌های آستان قدس رضوی

امروز هم آستان قدس‌رضوی باید همچون دوران حیات حضرت ثامن‌الحجج(ع) که بیت امام محل آمدوشد اندیشمندان و علما بود، محل رفت‌وآمد و مراودات علمی در سطح جهان اسلام باشد و سیره عالم رسول(ع) در این‌باره احیا شود؛ به‌ویژه آنکه جلسات گفت‌وگوی بین‌الادیان در محضر حضرت تشکیل می‌شد و امام افاضات علمی و تبیین می‌کردند. امروز مدرسه عالی فقاهت عالم آل‌محمد(ع) از مراکزی است که بنا دارد این مراودات علمی را افزایش دهد، لذا حلقه‌های علمی اجتهادی را در موضوعات مختلف تشکیل داده است و مطالعات و مراودات عمیق علمی در این حلقه‌های دانشی دنبال می‌شود.

تربیت چهره‌هایی همچون میرداماد

حوزه علمیه مشهد، از دوره صفویه به‌ویژه با مهاجرت گسترده علمای جبل‌عامل به شهرهای ایران ازجمله مشهد و برپایی مدارس متعدد، صورت کامل و مستقل یافت؛ البته براساس برخی اطلاعات، بعضی فعالیت‌های علمی ازقبیل نقل حدیث و تدریس برخی کتاب‌ها و مباحث علمی در این ناحیه، به‌خصوص در حرم امام‌رضا(ع) در سده‌های پیش نیز رواج داشته است و حتی برخی عالمان بزرگ در این شهر ساکن بوده‌اند. ازجمله عالمان مشهور که در حوزه علمیه مشهد در دوره صفویه تحصیل یا تدریس کرده‌اند، میرداماد است که پیش از سفر به قزوین، در همین شهر به مرحله استادی فنون رسید.

در عصر قاجار دو مدرسه جدید در مشهد بنا شد؛ یکی مدرسه سلیمان‌خان و دیگری مدرسه نو(حاج‌صالح) بخارایی که هنگام تخریب اطراف حرم در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی خراب شد.

در نیمه دوم عصر قاجار و پیش از حضور حاج‌ملاهادی سبزواری، در حوزه مشهد، از علوم عقلی استقبال نمی‌شد و طلاب، وقت خود را بیشتر صرف علوم دینی و علوم ادبی می‌کردند و از زمان حضور وی در مشهد، بار دیگر بازار علوم عقلی گرم شد.

حوزه علمیه مشهد در مقطع زمانی پس از انقلاب مشروطه، یعنی ۱۲۸۵ تا ۱۳۱۴شمسی که واقعه گوهرشاد رخ داد و به‌خصوص پس از مهاجرت دو روحانی دانشمند یعنی حاج‌آقامحمد نجفی، معروف به آقازاده‌خراسانی و حاج‌آقاحسین قمی که هر دو درس‌خوانده نجف بودند و نیز شیخ‌مرتضی آشتیانی، به‌ویژه از نظر دروس خارج فقه و اصول، بیش از پیش رونق گرفت.

پاسخگویی امام رضا(ع) به مباحث

مأمون برای آنکه حضرت رضا(ع) را از نظر علمی امتحان کند، جلسات متعددی را ترتیب می‌داد؛ در صفحه۹۰ از جلد۴۹ بحارالانوار، حدیث سوم، از ابراهیم‌بن‌عباس نقل است که: «ندیدم از حضرت رضا(ع) سؤالی شود و ایشان دربمانند؛ در زمان امام‌رضا(ع) داناتر و دانشمندتر از ایشان ندیدم. مأمون، ایشان را به هر سؤالی می‌آزمود و حضرت ثامن‌الحجج(ع) پاسخ می‌دادند و سخن و شاهد مثال‌هایشان، همگی از قرآن شریف به‌دست می‌آمد».

حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) در جلسات علمی، ظهور و بروز عالی داشتند و از قبل هم موسی‌بن‌جعفر(ع) بنابر نقل صفحه ۱۰۰ از جلد۴۹ بحارالانوار، حدیث۱۷ به فرزندشان مرتب تذکر می‌دادند و می‌فرمودند: «برادرتان علی‌بن‌موسی(ع)، عالم آل‌پیامبر(ع) است. از او در شرایع و ادیان، سؤال کنید». سپس فرمودند: «بارها از پدرم شنیدم که ای کاش عالم آل‌محمد(ع) را درک می‌کردم و از نزدیک او را می‌دیدم. او هم‌نام جدم امیرالمؤمنین(ع) است».

و نیز در حدیث۱۹ از جلد۴۹ بحارالانوار آمده است که راوی می‌گوید: «در مجلس امام‌رضا(ع) بودم و افراد بسیاری حضور داشتند و از امام‌رضا(ع) درباره حلال و حرام می‌پرسیدند و حضرت پاسخگوی آن‌ها بودند». این شاهد آن است که بیت امام‌رضا(ع) محل آمدوشد دانشمندان برای طرح بحث و سؤال و گرفتن پاسخ‌هایشان بود.

ابواب جدید علمی عالم آل‌محمد(ص)

امام‌رضا(ع) در موضوعات مختلف به‌ویژه مباحثات کلامی، گفت‌وگوهای مفصل با اندیشمندانی همچون عمران صابی، از متکلمان برجسته، و نیز برخی دیگر از دانشمندان کردند و تلاش ایشان برای آنکه خراسان آن زمان محلی برای گفت‌وگوها و مراودات علمی باشد، گسترده و ستودنی است. در بحارالانوار، جلدی که مربوط به احتجاجات حضرت(ع) است، در صفحه۳۱۸ می‌خوانیم: امام‌رضا(ع) از خادم خود خواستند نزد عمران صابی برود و از او برای دیدار با امام(ع) دعوت کند. عمران از اندیشمندان مورد احترام مأمون بود و مأمون از وی خواسته بود در مناظره با حضرت رضا(ع) شرکت کند و ایشان را شکست دهد. اما امام‌رضا(ع) که برای ارباب فکر و صاحبان اندیشه احترام قائل بودند، عمران را به ضیافت شام دعوت و وی را در جلسه خصوصی بسیار تکریم کردند، حتی از وی خواستند روز بعد نیز به منزل حضرت برود تا طعامی از مدینه به او بدهند. حرمتی که حضرت ثامن‌الحجج(ع) برای وی قائل شدند، باعث شد عمران، مرید حضرت و مبلغ تشیع ناب جعفری شود و وقتی اندیشمندان و متکلمان دور او جمع می‌شدند، از آموزه‌های اهل‌بیت(ع) می‌گفت و تبلیغ می‌کرد.

حضور آیت‌ا... بروجردی در حوزه مشهد

حوزه علمیه مشهد پس از شهریور ۱۳۲۰ وارد دوره ویژه‌ای از حیات خود شد. احیای حوزه علمیه مشهد پس از سقوط رضاشاه به‌طور خاص مرهون کوشش‌های سه‌شخصیت علمی برجسته یعنی میرزااحمد کفایی، شیخ‌مرتضی آشتیانی و میرزامهدی اصفهانی بود. ازجمله عواملی که در حدود نیمه اول دهه ۱۳۲۰ شمسی تقویت حوزه علمیه مشهد را موجب شد، حضور کوتاه‌مدت آیت‌ا...حسین بروجردی در مشهد بود.

در سه دهه اخیر، هم‌زمان با تحولات عمیق اجتماعی، دگرگونی‌های مهمی در حوزه علمیه مشهد رخ داده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حوزه علمیه مشهد در مسیر آرمان‌های آن بازسازی شد.

مروری کوتاه بر حیات حوزه علمیه مشهد

حوزه علمیه مشهد به‌عنوان یکی از حوزه‌های علمیه مهم و معتبر شیعی، مراحل تاریخی مختلفی را پشت‌سر گذاشته است. این حوزه به خراسان بزرگ اختصاص دارد؛ چون این دوره، عصر حضور امام‌رضا(ع) را دربر می‌گیرد و امام تنها در یک شهر ساکن نبودند، بلکه از مدینه تا خراسان به نشر معارف علوی اهتمام داشتند که ایراد حدیث سلسله‌الذهب در نیشابور، جلوه آن است. پس از شهادت حضرت رضا(ع)، ایشان در قریه سناباد مدفون شدند و شیعه از آن پس این نقطه را مرکز علمی‌فرهنگی خویش قرار داد و با ایجاد حلقه‌های درس درکنار تربت امام بر رونق منطقه افزوده شد.